

یا نکی ها نکیرند عبرت ... (۱) (۲۰۰۹/۱۱/۲۱)



اهداء به مبارزان راه آزادی
افغانستان

سیاهی شام دوید ، سپیده نا پدید گشت
دانا و نکته سنج و ادیب ، ناپدید گشت
دستی که می نوشت ، شبنامه به ضد "کودتا" (۲)
کلکش بریدند ، جسدش ناپدید گشت
رفت برسر دار ، سری که می ارزید به تنش
هر روز و شب هزار هزار ، ناپدید گشت
بستند رزمندگان وطن ، در غل و زنجیر
کارمند ، دهقان ، کارگر و پیشه ور ، ناپدید گشت
زیر زمین عمارات ، گشت زندان و کشتارگاه
پدر ، مادر ، خواهر ، برادر ، ناپدید گشت
تیغ استبداد ، بر سر استخوان رسید
آزادی سلب شد ، آرامش ناپدید گشت
خورد مهر خموشی ، بر دهان پیر و جوان
هرکی به سخن لب گشود ، ناپدید گشت
باریدند بر شهر و ده ، بمب و راکت چون باران
انسان و اشجار و حیوان ، ناپدید گشت
گل بوته ای نروئید ، به باغ و دمن دگر
خشکید سبزه و گل ، مرغکان ناپدید گشت
از ظلم و تهدید ، آواره ئی هر دیار شدیم
گشتیم ضرب صفر ، هویت ناپدید گشت
با بی زبانی ، نا آشنائی ، شدیم مبتلا
دانش نشد میسر ، فرهنگ ناپدید گشت

* * *

در بازی شطرنج، موره‌ها شد جا به جا
 "بز" روس رسید به قدرت، "گاو" ش ناپدید گشت (۳)
 چلی‌ها نافذ کردند، آیه‌های زن ستیز
 کوفتند میخ برجبین اش، میان دریا ناپدید گشت
 معیار ریش مردان، بشد شیشه اریکین
 شال و پکول شد مروج، دریشی ناپدید گشت
 مسجد و مدرسه، شد دفتر اطلاعات
 ڈره می زدند بر زن و مرد، فریاد ناپدید گشت
 در هر جای شهر، از کشته پشته‌ها ساختند
 سگان مرده خوار شدند، گورستان ناپدید گشت
 سر بیرون کرد مار یک چشم، از آستین "سیا"
 دار زد نوار و ویدئو، موسیقی ناپدید گشت
 چون قلب سیاهشان، شیشه‌ها سیاه رنگ شد
 سنگ زدند به پیکر زن، جسمش ناپدید گشت
 گردید آماج راکت، کهن تندیس بودا
 نماد بی مثال شان، از میان ناپدید گشت

* * *

کانون انجو هاست، پرورشگاه جاسوسان
 عضو "سیا" رسید به قدرت، استقلال ناپدید گشت
 مثله ای زنان روا کردند، به امر حق
 لگد مال گشت حرمت شان، حقوق ناپدید گشت
 هرکی ز خانه می برآید، بازگشتش امید نیست
 نیستند به فکر خلق، امن و امان ناپدید گشت
 روس شکست خورد با افتضاح، ز پیکار دلیران
 خورد داغ ننگ بر جبینش، ز کشور ناپدید گشت
 یانکی‌ها نگیرند عبرت، از شکست روس
 هر تجاوزگر با نبرد ما، ز میهن ناپدید گشت

* * * * *

۱- هنگامیکه جنگ های داخلی (۱۸۶۲-۱۸۶۵) میان شمالی های ایالات متحده امروزی امریکا (که صنعت در سرزمین هایشان به رشد شایان توجهی رسیده بود) از یک سو و اهالی بخش جنوب (که اکثریت شان زراعت پیشه بودند) از سوی دیگر جریان داشت. سر انجام در این جنگ، صنایع به قیمت کشتار های دسته جمعی و صدها فاجعه مدهش انسانی بر کشاورزی پیروز شد. وحدت شمال و جنوب آن کشور (از راه زور و تجاوز و قتل ها و آدم کشی ها و...) تأمین گردید. در بحبوحه این جنگ، مردم جنوب به مردم متجاوز و آدمکش شمال یانکی (امریکائی) خطاب میکردند. از آن ببعد این کلمه در ادبیات سیاسی بکار گرفته شد.

(۲) - کودتای منحوس و ننگین [۷ ثور ۱۳۵۷] خلقی های آدم خوار و وطن فروش.

(۳) - دو تن از اجنتان امپریالیزم روس، هر یک [احمد شاه مسعود مشهور به "بز"] و [جلاد خاد داکتر نجیب، مشهور به "گاو"]